



بررسی نقش نور بر خلق زیبایی در معماری ایرانی - اسلامی

جمال الدین مهدی نژاد^۱، امیرحسین شیردل^{۲*}، مرضیه آزاد ارمکی^۳

- ۱- استاد، عضو هیات علمی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهیدرجایی تهران، ایران
 ۲- دانشجوی کارشناسی معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهیدرجایی تهران، ایران
 ۳- دانشیار، عضو هیات علمی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهیدرجایی تهران، ایران

*amirshirdel6645930@gmail.com

ارسال: خرداد ماه ۱۴۰۲ پذیرش: مرداد ماه ۱۴۰۲

چکیده

به طور کلی در زمان بحث در خصوص طراحی محیطی برای زندگی انسان، با مبانی و مفاهیم زیباشناسانه مواجه می شویم، بحث زیبایی شناسی در معماری به عنوان تنها عاملی که مورد توجه قرار می گیرد، نمی باشد، چراکه در معماری ایرانی - اسلامی هر اقدامی بر اساس حکمت و فلسفه ای انجام می شود. در طول تاریخ بشر، زیبایی به عنوان جاذبه ای ازلی مطرح بوده و در رشته های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. زیبایی فقط امری ذهنی نیست، بلکه باید آن را به عنوان حقیقتی عینی درک کرد. بناهای دوران اسلامی به عنوان عوامل مهم شهری، از نظر ویژگی های زیباشناسانه اهمیت به خصوصی دارند. این پژوهش که از نوع توصیفی - تحلیلی می باشد با استفاده از شیوه کتابخانه ای و بهره بردن از کتب و مقالات این حوزه نشان گر آن است که پرداختن به زیبایی شناسی در معماری قدمت زیادی دارد و در اینیه اسلامی هم شاهد رعایت اصول زیبایی شناسانه هستیم که اگر امروزه از این اصول زیبایی شناسی اسلامی در شهرسازی و معماری خود استفاده کنیم می توان مفاهیم ارزشی و دینی را در جامعه متجلی کنیم و علاقه نسل جدید را به زیبایی های معماری پیشینیان چند این برابر کنیم.

کلمات کلیدی: نور، زیبایی، زیبایی شناسی، معماری اسلامی، فرهنگ اسلامی.

۱- مقدمه

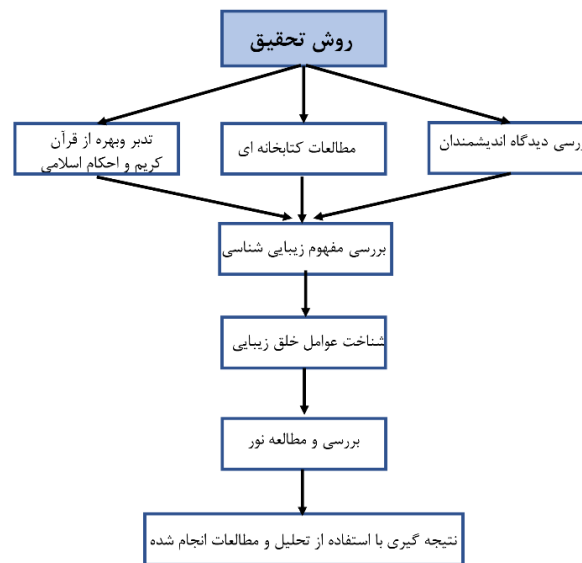
بحث زیبایی در معماری به کیفیت در طراحی بازمی گردد که باید یک معمار در امر طراحی توجه به زیبایی، صرفه اقتصادی، آرامش، استحکام و مقاومت اثر داشته باشد [۱]. آفرینش خدای باری تعالی بر خلق زیبایی استوار است بر این اساس خواهان برکشیدن آفریده ها از راه تقابل به زیبایی های خداوندی است همین نگاه به زیبایی آن را لازم، همیشگی، و متداوم می خواهد (انس با زیبایی در همه وجوه زندگی) [۲]. همان گونه که در قرآن کریم با ارائه یکصد صفت حسن خدای متعال بیان شده هر اثری که این صفات را بیشتر داشته باشد وجود کامل تری دارد. بنابراین زیباتر است و انسان به عنوان خلیفه خداوند در زمین در خلق آثار خود که آثار معماری و شهرسازی نیز از آن جمله است بایستی این صفات و اسماء را به ظهور و تجلی برساند و هرچه این صفات و اسماء متجلی باشد آن اثر معماری و شهرسازی زیباتر است [۳].

اصطلاح زیباشناسی نخستین بار توسط الکساندر بومگارتنر به کار رفت تا اهمیت شناختی را که به واسطه حواس به دست می آید نشان دهد. بعد ها این واژه برای نوعی از زیبایی به ویژه معماری و هنر که از طریق حواس حاصل می

شود به کار برده شد [۴]. دوران پس از اسلام، معماری ایران به عنوان بخش عظیم از میراث فرهنگی و هنری جهان اسلام مطرح شد. با ظهور اسلام، هنرمندان و معماران سعی کردند تا از اصول و ارزش های گذشته و اعتقادات اسلامی در کارهایشان بهره نمایند [۵]. در طول تاریخ هنر، هیچ هنری به اندازه هنر اسلامی متعالی نبوده است. هنر زیبایی با یکدیگر ارتباطی ناگسستنی دارند، زیرا هدف هنرمند اسلامی آن است که با بهره بردن از مبانی قرآنی و نیز همراهی هندسه، آثار شگفت انگیز و متعالی خلق کند و حس زیبایی را به انسان ها انتقال دهد. زیبایی یک جاذبه ازلی است که هنر به مانند یک پل برای انسان و آن می باشد. معماری اسلامی برگرفته از قرآن کریم است و تمام هنرها با آن ارتباط دارند و دارای روح می باشد. در این بین معماران و هنرمندان از عنصر نوردرجهت زیباتر شدن کارشان و بخشیدن احساس به آن، بهره می برند. در فرهنگ ایرانی نور نمادی از عالم ملکوت است و پلی است بین عالم معنا و ماده. نور در عین بی رنگی ظاهرش، دارای رنگ های بسیار است و با وجود این دو عامل، آرامش و زیبایی به انسان منتقل می شود. رنگ ها به عنوان عاملی روانشناختی هرکدام دارای ویژگی ها و تاثیراتی بر محیط و انسان است که همراهی آن با نور این تاثیرات را نیز پررنگ تر می کند. بنابراین در این پژوهش در ابتدا با مفهوم زیبایی و زیبایی شناسی آشنا شده و سپس به مطالعه دیدگاه اندیشمندان این حوزه می پردازیم، سپس نور را در فرهنگ اسلامی مورد بررسی قرار می دهیم و به تاثیرات روانشناختی آن نیز می پردازیم.

۲- روش پژوهش

در این پژوهش که از نوع توصیفی - تحلیلی می باشد به کمک اسناد کتابخانه ای، کتب، مقالات این حوزه و دیدگاه نظریه پردازان به معرفی و تبیین مفاهیم زیبایی شناسی پرداختیم، در ادامه پس از اشاره کردن به رابطه زیبایی و معماری که نقش بسیار مهمی دارد، به جایگاه نور به عنوان عاملی اصلی در خلق زیبایی و تاثیرات روانشناختی آن بر انسان در معماری بناهای ایرانی - اسلامی، اشاره نمودیم و با توجه به مطالعات انجام شده به نتایجی نیز رسیدیم.



شکل ۱- نحوه انجام تحقیق در راستای رسیدن به هدف پژوهش، منبع: نگارندگان

اما سوالات اصلی و مهم تحقیق این است که:

- ۱) زیبایی چیست؟
 - ۲) عوامل تاثیرگذار بر خلق زیبایی در معماری ایرانی چیست؟
 - ۳) بهره گیری از نور چه حکمت هایی دارد؟
- که در این پژوهش سعی شده است که به آنها پاسخ داده شود.

۳- پیشینه پژوهش

واژه زیبایی‌شناسی را الکساندر بام گارتن برای بیان مفهوم سلیقه در هنرهای زیبا ابداع کرد. این واژه امروز، هم در بحث‌های محتوایی و هم در جنبه‌های رویه‌ای به کار می‌رود. از قرن‌ها پیش به موازات پرداختن به زیبایی‌شناسی در مباحث فلسفه، هنرمندان و معماران، جستجو برای تدوین علم اثباتی زیبایی‌شناسی نیز جریان داشته است. در این سال‌ها در مورد زیبایی‌شناسی نوشته‌هایی از فلاسفه، روان‌شناسان و هنرمندان و حتی افراد حرفه‌ای که با طراحی محیط سرو کار دارند به جای مانده است. هدف این افراد درک موجبات لذت و چرایی آن بوده است [۶]. زیبایی، مانند هر پدیده‌ی دیگری سه مولفه فرم، عملکرد و معنا دارد. فرم صورتی شامل شکل، ساختار، وزن و حجم است. عملکرد همان استفاده‌های است که برای انسان و بشریت دارد و معنا مولفه‌ای است که ما را به دنیاها و عالم‌های دیگر وصل می‌کند [۷].

تاریخ زیبایی را می‌توان به دو جریان اصلی تقسیم کرد در جریان اول که «عقلگرا» است که لذت را حاصل از امور عقلانی و متفکرانه را اصل می‌داند و رمزگشایی از طبیعت، ریاضیات، موسیقی را لذت به شمار می‌برند و جریان دوم «حس مدار» هستند این دسته زیبایی از تجربه مستقیم حواس بینایی، چشایی، بویایی و لامسه که حاصل می‌شود، می‌دانند، اما در مقابل این جریان کسانی قرار دارند که ماهیتی فrazمینی برای زیبایی قائلند، و از قرار دادن لذات حاصل از امور حسی، در ردیف تجربه‌های زیبایی‌خشنود نمی‌شوند [۸]. شهید مطهری، از اولین نظریه پردازان تعامل زیبایی و اخلاق در ایران است. ایشان حسن و زیبایی را از اموری می‌داند که در پرتو اعتقاد به خدا پرورش می‌یابد [۹]. این استاد عالیقدر در یکی از آثار خود تأثیر زیبایی در روح انسان را در باب معیار فعل اخلاقی و نیز تفاوت دیدگاه‌های مختلف پیرامون زیبایی فعل و زیبایی روح انسان و رابطه آن با اخلاق به دقت بررسی می‌کند [۱۰]. در فرهنگ اسلامی زیبایی و حسن در جامع و مانع‌ترین شکل خود تبیین شده است. با توجه به این امر ما زیبایی را از دیدگاه اسلامی این‌گونه تعریف می‌کنیم: زیبایی، وجودی است حقیقی، که در عالم ماده با صورت‌های مادی به وسیله حواس و در عالم معقول با صفات مفهومی به وسیله عقل و در عالم ملکوت به وسیله دل (روح) به نسبت قوه و ظهور وجود و ظرفیت مخاطبین ادراک می‌شود [۱۱]. همان‌طور که اروپای قرون وسطی فاقد زیباشناسی مستقل از فلسفه مدرسی بود، در جهان اسلامی هم مقولات جمالی غالباً در مباحث مابعد طبیعی مطرح می‌شد. هنوز در ارتباط این متون فلسفی با تولید معماری و صنعتی تحقیق منظمی صورت نگرفته است. معهود تحقیقات معنایی هم معطوف به مضامین سیاسی و عقیدتی هنر و معماری است و مسائل پیچیده‌تر درباره‌ی فلسفه‌ی زیباشناسی را نادیده می‌گیرد [۱۲]. ادراک زیبایی پدیده‌ای چند بعدی است که می‌تواند حواس درونی، بیرونی، تعقیل و شهود ما را به فعالیت وا دارد. مجموعه‌ای از مطالعات روان‌شناسی گشتالت و سایر گروه‌هایی که در این زمینه مطالعه کرده‌اند، مانند معماران، طراحان و روان‌شناسان محیط، نشان می‌دهد که اولاً ادراک زیبایی پدیده‌ای چند بعدی است؛ ثانیاً کیفیت سمبلیک محیط مهم‌ترین عامل در ادراک زیبایی می‌باشد؛ ثالثاً ارتباطی درونی و ذاتی بین زیبایی فرمال و سمبلیک وجود دارد. آرن دیزاک با توجه به این بررسی‌ها، ویژگی‌های متعددی را در ادراک زیبایی محیط موثر دانسته است [۱۳].

بعد از ورود اسلام به ایران و بینش اسلامی نور منزلتی خاص در بنا پیدا می‌کند. بینش اسلامی با نور طبیعی به هم پیوسته‌ای دارد که می‌تواند معماری را از دل زمین جدا کند و به عالم معنوی و بالا نزدیک نماید [۱۴]. این معماری همواره بازتابنده مکان مقدس، حیات و حضور نور است و بر روح آدمی تأثیر می‌گذارد [۱۵].

از جمله علوم و هنرهایی که می‌توان به نقش نور در آن اشاره داشت، هنر معماری است که بحث مفصلی را در زمینه بهره‌گیری از نور طبیعی به خود اختصاص می‌دهد. در هنر معماری نور یکی از اجزایی است که در کنار عناصر و مفاهیم دیگر از مشخصه‌ی نور طبیعی توالی و دگرگونی آن در طول روز است که باعث حرکت و تغییر حالات در ساعات مختلف می‌شود. این عامل علاوه بر ایجاد پویایی و تحول در فضا باعث تشخیص زمان نیز می‌گردد [۱۶].

۴-زیبایی و زیبایی شناسی

زیبایی چیست؟ زمانی که واژه زیبایی را می شنویم اولین پرسشی که در ذهن ما می آید این است که آیا زیبایی را می توان تعریف کرد؟ برای پاسخ به این سؤال از پاسخ ژیلسون استفاده می کنیم او معتقد است زیبایی چیزی یا خصیصه ای است که انسان از آن لذت می برد یا آن را می ستاید. کلمه زیبا و مشتقات و مترادفات های آن فقط به طبیعت و آثار هنری صدق نمی کند بلکه برای ابراز درک لذتی زیباشناسانه از چیزهای ساخته انسان که منظور اولیه از ساخت پدید آوردن یک اثر هنری نیست به کار می رود [۱۷]. اما باید بدانیم که زیبایی در چشم انسان در صورتی به وجود می آید که آن ساختمان یا هر اثر دیگر از لحاظ تناسبات، رنگ و ... رعایت شده باشد در این صورت است که نام آن را زیبا می گذاریم و «زیبا عبارت است از چیزی که از دیدن آن محفوظ می شویم» [۱۸]. لغت زیباشناختی در اصل یونانی است و به معنی ادراک است. علم زیبا شناختی به معنی وسیع کلمه به بررسی و روش های احساس محیط و موقعیت فرد در داخل آن می پردازد [۱۹]. زیبایی در فرهنگ لغات وبستر چنین تعریف شده است: «ویژگی چیزها، آواها، احساس ها یا مفاهیم عقلانی و مانند آن که با کمال شکل به دست آمده است و از آمیزش هماهنگ عناصر گوناگون، احساس آدمی را به درجات بالایی خشنود می کند یا برمی انگیزد» [۲۰]. زیبایی جاذبه ای ازلی است، که هنر پل ارتباط بین آن و انسان است. درک زیبایی موهبتی است الهی و پایگاهی ذهنی که به عینیت می انجامد و هنر بدون آن کالبدی است بی روح و خالی از جاذبه [۲۱]. مباحثی چون زیبایی شناسی از دیرباز تاکنون مطرح بوده و در هر دوره تأویل و تفسیر گشته است. در اینجا به تلخیص به بررسی آن پرداخته شده است. «آیس ته سیس» در زبان یونانی به معنای ادراک حسی و معنای ثانویه آن زیبایی شناسی است. زیبایی در عهد باستان یعنی تناسب و آنچه که بر اساس یافته های هندسی فیثاغورسیان شکل می گیرد. معماری یونان به عنوان یک معماری متناسب، زیباست. از قرن هجدهم زیبایی بیشتر جنبه ی روانشناسانه به خود گرفت. زیبایی در ارتباط با ادراک دیده می شود و بیننده جزئی از این مجموعه به حساب آمد [۲۲].

۴-۱-زیبایی شناسی در فرهنگ اسلامی

یکی از مفاهیمی که در دین ما و کتاب آسمانی قرآن به آن توجه شده صفت زیبایی و جمال است. نگاه ظریف دین مبین اسلام وایدوئولوژی مسلمانان در اصل توحید و یگانگی و همچنین جهت دار بودن همه حرکات در عبادت مانند جهت قبله و تنظیم عبادت ها با ماه های قمری و همچنین سفر به حج از اقصا نقاط جهان ، سبب شده تا مساجد، مناره ها، محراب و تزئین آنها در طول ۱۴۰۰ سال گذشته آثار بدیع و بی نظیری در سراسر کشور های اسلامی باشد. زیبایی بدون شک اصلی ترین محور هنر اسلامی از زمان پیدایش اسلام بوده است. ثبت وضبط قرآن کریم و تقدس فوق العاده مسلمانان به این کتاب الهی، سبب گردیده است تا هنر خوشنویسی در کتب و نماهای درونی و بیرونی ساختمان های مذهبی و مسکونی ، اوج تعالی بخش از هنر اسلامی را به تصویر بکشد [۲۳]. به دلیل اینکه دین ، سیاست ، روابط اجتماعی و... بر همه ارکان و فعالیت ها تاثیر گذار است و از جهتی دیگر ، خداوند زیبا دوستی و زیبایی جویی را در سرشت انسان ها قرار داده است می توان نتیجه گرفت که این عوامل در معماری هم به طور مستقیم تاثیر داشته است ، یعنی اگر دقت کنیم می بینیم ساختمان ها ، معابد و... چه در گذشته و چه در حال ، در تمامی جوامع بشری ، تحت الشعاع این عوامل بوده است.

۴-۲- زیبایی از نگاه اندیشمندان

جدول ۱- دیدگاه اندیشمندان در خصوص زیبایی

ردیف	نظریه پرداز	دیدگاه
۱	سید حسین نصر	او افزون بر معرفی اندیشه های فیلسوفان مسلمان، در زمینه زیبایی شناسی اسلامی نیز صاحب نظر است. نصر بر مبنای ۴ مکتب عمده ی فلسفه اسلامی - مشأ، اشراق، حکمت متعالیه و تصوف - به معرفی وجوه زیبایی شناسی اسلامی از منظر این چهار مکتب می پردازد (قائمی فر، ۱۳۹۵)
۲	ابن سینا	در "رساله العشق" زیبایی را مشتمل بر "نظم، ترکیب و اعتدال" معرفی می کند. و همچنین در "الهیات النجاه" توضیح می دهد که زیبایی و شکوه هر چیزی زمانی بروز می یابد که آن چیز همانی که باید، باشد. یعنی وقتی موجودی به کمال مقررش دست می یابد؛ زیبایی و شکوه هر چیز آن است، بدان گونه باشد که برایش ضروری است.
۳	افلاطون	معتقد به دو نوع زیبایی بود: از سویی زیبایی طبیعت و موجودات زنده و از سویی دیگر زیبایی هندسه، خط و دایره. او معتقد بود که زیبایی طبیعت نسبی است در حالی که زیبایی هندسی یا آنچه که بدست بشر ساخته شده است مطلق است.
۴	فارابی	زیبایی را "کمال" تعریف می کند و معتقد است هرچه موجود به کمال نهایی اش نزدیکتر می شود زیباتر می شود. (فلامکی، ۱۳۸۵) و به "الموجودالأول" می نویسد: «فجمالہ إذن فائق لجمال کل ذی جمال و کذلک زینتہ و بهاوہ و جمالہ له بجوهره و ذاته» (زیبایی او - موجود اول - فوق همه ی زیبایی هاست. این زیبایی و زینت و شکوه برای موجود اول جوهری و ذاتی است. (ابونصر الفارابی، ۱۹۵۵: ۴۳-۴۲)
۵	علامه جعفری	زیبایی را به دو دسته کلی طبیعی و عقلانی تقسیم می کند و زیبایی طبیعی را نیز به دو دسته تقسیم می کند: زیبایی طبیعی محسوس که در سطح طبیعت نمود پیدا می کند و زیبایی نامحسوس طبیعی مانند نمود قدرت، علم و آزادی. زیبایی معقول را نیز به دو دسته تقسیم می کند: دسته اول زیبایی معقول ارزشی که نشانگر وارستگی های روح است مانند عدالت، حکمت و شجاعت. و دسته دوم زیبایی جمال مطلق. دونوع اول را زیبایی نسبی و محدود و دونوع اخیر را زیبایی لم یزال، ثابت و پایدار می داند. (پاکباز، ۱۳۸۰)
۶	ویتروویوس	ویتروویوس می گوید: در بنا کردن بایستی به استحکام، مفید بودن و ظرافت توجه داشت. زیبایی به همراه ایستایی و کارایی یکی از سه عامل نقش دهنده در معماری است. زیبایی وقتی قابل حصول است که: ساختمان نمایی مطبوع و خوش آیند داشته باشد و تقارن اجزاء آن به درستی حساب شده است. منظور ویتروویوس از تقارن چیزی است که ما امروز تناسب می گوئیم. یک ساختمان وقتی زیبا به حساب می آید که تناسب بین اجزاء آن براساس قواعد مشخص باشد. (روشن، شریف زاده، ۱۳۹۵)

اگرچه در میان حکیمان و اندیشمندان مسلمان بحثی پدیده و خاص و در شان منابع اسلامی در حوزه زیبایی شناسی هم در ذیل مباحث معبود شناسی و هستی شناسی پرداخته اند، ولی در عین حال بجز سیر درونی برای درک زیبایی، راه کسب بیرونی نیز نفی نمی شود. هنرمند بیش از آنکه بخواهد برای کسب مبانی نظری، فلسفه بخواند و آثار اندیشمندان را مطالعه کند، با خود آثار هنری ارتباط برقرار می کند و مبانی هنر را به طور شهودی و حضوری بر اثر زندگی با این آثار به دست می آورد. از دیدگاه اصالت وجود، "وجود" وجه مشترک هویت هاست و بر پایه نظریه وحدت وجود، هندسه، نظم و زیبایی همه هستی در یک ارتباط سامانه ای تعریف می شود و در نتیجه زیبایی هم امری فراگیر در همه هستی خواهد بود. ولی ماهیت، بخش متمایز کننده ی هویت هاست و مجموعه ای از عرضیات زائد بر ذات یک شیء می باشد که آن را تعریف کرده و از دیگر چیزها جدا می کند. اگر زیبایی جزء ماهیت شیء دانسته شود، آنگاه پایگاه آن بر کثرت گذارده شده است. هر چیز زیبایی خاص خود را دارد که عامل زیبا کننده آن، هندسه، رنگ جنس و دیگر عرضیات آن خواهد بود. ولی اگر زیبایی از جنس وجود دانسته شود، آنگاه دگرگونی پذیر نیست و تغییر آن بر پایه حرکت جوهری است [۱۲].

در فرهنگ اسلامی دانشی جداگانه به نام زیبایی شناسی هیچ گاه پدیدار نشده است و این امر دلایلی دارد. آنچه که در این باره می توان یافت این است که در متون فقهی بحث زیبایی و هنر به صورت مستقل طرح نمی شود. تنها می توان گفت که در احکام فقهی به صورت ضمنی مباحثی درباره موسیقی، غنا، نقاشی و مجسمه سازی طرح شده است اما این ها بحث های زیباشناسی و فلسفه هنر نیست. در متون کلامی اساساً چنین مواردی طرح نمی شود، می ماند آثار حکمتی و عرفانی. در آثار فلسفی مثلاً در آثار "فارابی"، "ابن سینا" "سهروردی" و "ملاصدرا" و از جهتی دیگر در آثار "ابوحیان توحیدی"، می توان اشارتی درباره ی زیبایی و بعضی هنرها دید. در آثار عارفانی مثل "ابن عربی" و "مولوی" اشارات بیشتری یافت می شود، ولی وقتی همه این اشارات را یک جا جمع کنیم هیچ چیزی به صورت سیستماتیک که بتوان آن را فلسفه هنر یا زیبایی شناسی اسلامی نامید، از آنها در نمی آید [۲۴].

۳-۴- زیبایی شناسی در معماری

یکی از اهداف معماری آفرینش اثر زیبا یا خوشایند است. موضوع علم زیبایی شناسی نیز تشخیص و درک عواملی است که در ادراک فرآیند یک شیء یا پدیده ای تجربی زیبا نقش دارند و درک توانایی انسان برای ابداع جلوه هایی است که از نظر علم زیبایی شناسی خوشایند به حساب می آیند [۲۵].

هر اثر شاخص و برجسته و ماندگار در تاریخ هنر و معماری، به خصوص در زمان معاصر، بدون داشتن هویتی معنوی نتوانسته است جایگاه والا و شان و مقامی با حرمت و اعتبار کسب کند. با توجه به آنچه عنوان گردید، تقابل بین معماری و زیبایی و زیبایی شناسی، مبحثی جدی و پیچیده تلقی می شود که نیازمند قبول مسئولیتی خطیر است. البته باید توجه داشت که زیبایی شناسی به تنهایی ملاک و معیار سنجش و نقد اثر هنری و معماری محسوب نمی شود. معماری به عنوان پدیده و اثری چهاربعدی همچون هنری کامل و جامع، کلیه شئون و ابعاد و حالات و احوالات انسانی را در عرصه زندگی در بر می گیرد و به زبان ساده تر، عین زندگی و خودزندگی است [۷]. تعامل میان معماری و زیبایی به عنوان یک مقوله هنر و انسان ساخت، دارای پیچیدگی هایی جهت ارزیابی چندوجهی بودن ذات معماری، جوانب گوناگونی از زندگی انسان به صورتی در عرض یکدیگر طرح می گردد. هر چند نیازهای مادی و معنوی به دلیل ترکیب یافتگی شان جدایی ناپذیرند، اما بر حسب نوع معماری و موقعیت های ویژه مکانی و زمانی بین انگیزه ها و باورها ارتباط برقرار می کند [۲۶]. لئون باتیستا آلبرتی می گوید زیبایی همخوانی قانونمند بین اجزاء است، طوری که نتوانیم چیزی به آن بیافزاییم یا کم کنیم یا چیزی را در آن تغییر دهیم بدون اینکه خوشایندی آن بکاهیم. آندره پالادیو نیز نظرش را بر پایه ی نظر ویتروویوس و آلبرتی قرار داده و چنین بیان می کند که زیبایی به همراه ایستایی و کارایی سه اصلی می گردد که یک بنا را قابل ستایش می کند. سرچشمه زیبایی، وجود فرم های قشنگی است که در هماهنگی با فرم کلی قرار دارند و هماهنگی بین اجزاء از طرفی و با کل از طرف دیگر، باعث می گردد که که ساختمان چون پیکری واحد و کامل به نظر آید [۲۷]. عوامل بسیار زیادی مانند قابلیت استفاده، ساختار، مقاومت مصالح، مسائل مالی و بالاخره ضوابط ساختمانی این آزادی را محدود می کند. زیبا شناختی تنها عاملی که باید مورد توجه قرار گیرد نیست. اما در این نیز که این عامل در معماری نقشی اصلی دارد نمی توان شک کرد [۱۹].

۵- اصول زیبایی شناسی

از آنجایی که اجرای هر یک از مفاهیم در معماری نیازمند اصول و شیوه هایی است، در اینجا به اصول زیبایی شناسی در معماری می پردازیم، مواردی که در صورت رعایت و وجود در بنا، باعث زیبایی بیشتر می شود.

جدول ۲- مهمترین عوامل تاثیرگذار بر ایجاد زیبایی

ردیف	عامل خلق زیبایی	توضیحات
۱	تقارن	رعایت تقارن در بنا باعث القاء آرامش در انسان و زیبایی بصری می شود. در خانه های ایرانی این اصل را در پلان، نما و حیاط و... می بینیم. علاوه بر اینکه تقارن در بناها می توان ایجاد کرد خالق بی همتا در خلقت انسان هم تقارن را رعایت کرده است. (مهدی نژاد، شیردل، ۱۴۰۱)
۲	تکرار و تناوب	در بناها می بینیم که گاهی عنصری مانند ستون، قوس، و... تکرار می شود که جهت ایجاد تکرار و تناوب، حداقل ۳ بار عنصر باید اجرا شده باشد. [همان]
۳	تناسب	بسیار مهم است که در بنا بین عناصر معماری مثل پنجره، ارتفاع سقف تا کف و... با ابعاد آدمی تناسب رعایت شده باشد، رعایت این اصل باعث ایجاد آرامش روانی و خلق زیبایی می شود.
۴	مرکزیت	گاهی معماران جهت جلب توجه افراد و تاکید بر بخشی، از مرکزیت استفاده می کنند برای مثال در معماری خانه های ایرانی در وسط حیاط از حوض آب بهره می بردند و بقیه فضا را حول آن طراحی می کردند و به نوعی می توان گفت، کانون توجه حیاط، حوض بود. [همان]
۵	نظم	چیده شدن با نظم و ترتیب یکی از نشانه های زیبایی است این چینش نظم دار گاه به صورت ردیفی و در کنار هم است. فطرت انسان همیشه خواستار نظم است. به طور کلی ذهن انسان در ساخت اشیا نوعی نظم را ایجاد خواهد کرد در پلان، مدول ها برای به دست آوردن نظم عمومی در کل طراحی استفاده می شوند. در تزئینات نظم در کاشی کاری، نقاشی دیوارها و گنبدها و غیره مورد استفاده قرار می گیرد. (عابدی، محمدیان یامی، ۱۳۹۷)
۶	حرکت	یکی از اصول زیبایی آفرینی در ساخت خانه های ایرانی، حرکت است، گویا رعایت این مهم، حس دعوت شوندگی به آدمی منتقل می کند، یکی از عناصری که بدین گونه استفاده می شد آب است، به نوعی که آب انسان را راهنمایی می کند تا به جهت های مختلف از ورودی تا بخش های دیگر برود. (مهدی نژاد، شیردل، ۱۴۰۱)
۷	تنوع	استفاده از عناصر طراحی با فرم، بافت و رنگ گوناگون باعث ایجاد تنوع در طرح می گردد. میزان تنوع به هدف طراح بستگی داشته و از تضادهای کوچک و ظریف تا تضادهای شاخص و قوی را در برمی گیرد. تنوع از یکنواختی حاصل از سادگی طرح می کاهد/ روشن، شریف زاده، ۱۳۹۵)
۸	سادگی	همواره رعایت سادگی در طراحی باعث ایجاد زیبایی خوشایند و مطلوب می شود. همیشه طرح های ساده بیشتر از طرح های شلوغ مورد توجه مردم هستند. البته سادگی به معنای رکود، کندی یا یکنواختی محض در طراحی نیست، بلکه به معنای ترکیبی دقیق و ماهرانه از کلیه عناصر بکاررفته در طرح برای دستیابی به هدف مد نظر است. در سادگی به جای ایجاد تغییرات زیاد در عناصر طراحی، عناصری را که در یکی از خصوصیات بصری یعنی شکل، خط، بافت یا رنگ مشابه هستند در طرح تکرار می کنند. (صارمی، صارمی، ۱۳۹۰)
۹	یکپارچگی	بین اجزا، بافت ها و... هماهنگی باشد و اجزا در رسیدن به یک هدف واحد همسو باشند.
۱۰	تزئینات	تزئینات جزء جدانشدنی و بخش عمده ای از معماری اسلامی را شکل می دهند و نقش وسیع و ارزشمندی در راستای اهداف معماری اسلامی و حتی در شکل گیری و دوام و بقای آن دارد. نکته اصلی در این باره یکی شدن ساختار و تزئینات در بنا است، به طوری که تزئینات چیزی جز از خود بنا و الحاقی آن نبوده و این حتی به استحکام اصلی بنا نیز کمک میکرده است (حاتم، استیری، ۱۳۸۸: ۴۵-۵۲)
۱۱	رنگ	تاثیر رنگ در معماری اسلامی، انکار ناشدنی است و از اهمیت و گستردگی معنایی زیادی برخوردار است. رنگ ها علاوه بر آثار و ابعاد عرفانی از نظر روحی و روانی نیز اثر داشته و سبب نشاط و یا خمودگی می گردد. رنگ ها در روان انسان، حالتی متناظر با واقعیت کیفی و سمبلیک شان ایجاد می کند. رنگ و هارمونی آن که البته همنشین بی بدیل نور است در همه هنر های ایرانی و اسلامی، نقشی تعیین کننده دارد. در هنر اسلامی ایرانی، از رنگ ها بصورت خردمندانانه ای استفاده می شود. (پای برجا و هدایتی، ۱۳۹۴)
۱۲	آب	طبیعت و عناصر آن سراسر آیات الهی و راهی برای شناخت خداوند می باشد. آب توانایی بی نظیری در القاء حس آرامش در انسان نیز دارد. در خانه های سنتی ایران، طراحی حوض به منظور ذخیره آب رایج بوده است که این مسئله عاملی مهم در تنظیم دمایی خانه، انجام دادن اعمال عبادی مانند وضو، آبیاری درختان حیاط، رونق و رواج روشنایی، سکون و آرامش و تحرک و... بوده است.
۱۳	نور	نور اولین شرط برای هر نوع ادراک بینایی است. عنصری است که با آن دیدن اشیا ممکن می شود. نور مناسب ترین ماده ساختاری است که می تواند به فعالیت های روزمره ما شکل، زیبایی، لذت و راحتی ببخشد ما را به خود جذب می کند و از نظر تاریخی می توان گفت نور و روشنایی برای انسان مقدس و نشان از زندگی و پاکی بوده است. (نایی و همکاران ۱۳۸۸)

۶- نور

نور در فرهنگ دهخدا به معنای روشنایی، ضیا، سنا، فروغ، کیفیتی است که به وسیله حس بینایی درک می شود. تابندگی، جلوه، سو، قوه ی بینایی در چشم آمده است [۲۸] و در فرهنگ عمید به معنای روشنایی، فروز، روشنایی چراغ یا آفتاب و خلاف ظلمت بیان شده است [۲۹]. تعیین ماهیت نور از زمان های گذشته فکر بشر را به خود مشغول داشته است. یونانیان قدیم در ابتدا معتقد بودند که نور از ذرات خیلی کوچک تشکیل شده است که از چشم خارج می شوند و در برخورد با اشیا سبب رویت آنها می شود. ارسطو این نظریه را به این ترتیب اصلاح کرد که نور از ذرات خیلی کوچک تشکیل شده است که از اجسام گداخته نورانی ساطع شده و در ورود به چشم روی آن تأثیر گذاشته و سبب بینایی می شود. در نهایت در قرن گذشته ماهیت نور به وسیله تئوری کوانتوم که انرژی نورانی را به صورت ذرات کوچک و مجزا از هم به نام فوتون نامید تشریح شد [۳۰].

در فرهنگ ایرانی، نور همواره نمادی از عالم ملکوت و معنا بوده است، به همین منظور در معماری مذهبی نور نقش اساسی دارد. معماران با تسخیر نور و هدایت آن از طریق مختلف به داخل بنا، محیط داخل و خارج را به هم پیوند می دادند. به این طریق نوعی هارمونی نیز بین بنای ساخته شده و محیط ایجاد می کردند. در این سلسله مراتب شدت نور و تاریکی در فضاهاست که میزان اهمیت

آنها را مشخص می کند. نور می تواند به فضاهای دیگر که ترجیحی ندارند، امتیاز دهد و برخی فضاها را بر دیگر فضاها مرجع سازد [۳۱]. معماران ایرانی به نور و اثرات آن از جهات مختلف دقت نظر و توجه داشته اند که در جریان تأثیرات معماری اسلامی به حد اعلا خود رسیده است، مواردی نظیر: توجه به بعد معنوی و تقدس نور، تعدیل نور در فضا و یکنواختی آن، امکان کنترل دید از داخل به خارج برعکس و حفظ حریم همسایگان، رعایت بهداشت چشم و جلوگیری از خیرگی و چشم زدگی در هنگام ورود و خروج از فضای روشن به تاریک و بالعکس، توجه به بهداشت روانی و استفاده از نور متناسب با کاربری فضا و همین طور به کارگیری شیشه های رنگی برای زیباسازی و شاداب کردن فضای داخلی [۳۲]. نور، غیر مادی ترین عنصر محسوس طبیعت، همواره در معماری ایرانی وجود داشته و دارد و نشانه ی عالم والا و فضای معنوی است. زیبایی که به چشم می آید از پرتو نور و روشنایی است و گرنه در تاریکی، زیبایی مفهومی ندارد. زیبایی حقیقی با نور معرفت درک می گردد و زیبایی ظاهری با عزیزترین حسن ما که بینایی است دیده می شود. نور و روشنایی چه ظاهری و چه عرفانی باعث می شود که زیبایی به چشم آید و رنگ و سایر زیبایی های شیء جلوه کند. بنابراین بحث نور و پرداختن به آن می تواند در مباحث زیبایی شناسی و هنر جایگاه ویژه ای داشته باشد [۳۳]. از جمله علوم و هنرهایی که می توان به نقش نور در آن اشاره داشت، هنر معماری است که بحث مفصلی را در زمینه بهره گیری از نور طبیعی به خود اختصاص می دهد. در هنر معماری نور یکی از اجزایی است که در کنار عناصر و مفاهیم دیگر از مشخصه ی نور طبیعی توالی و دگرگونی آن در طول روز است که باعث حرکت و تغییر حالات در ساعات مختلف می شود. این عامل علاوه بر ایجاد پویایی و تحول در فضا باعث تشخیص زمان نیز می گردد [۳۴]. در معماری سنتی با وجود اینکه نور و سایه در تعریف فضا نقش اساسی دارد، ولی این نقش بیشتر می تواند در جهت درک فضای درونگرای معماری مؤثر باشد. این در حالی است که به عقیده حاشیه نشینان کویری، بنا و ساختمان کویری از داخل زمین برآمده است؛ گویا معمار، خاک را تراشیده و معماری را به وجود آورده است، این کیفیت را فقط به وسیله سایه و روشن می توان رویت و درک کرد [۳۵].

در بسیاری از فرهنگ ها خورشید، یا همان منبع نور، عنصری خدایی و قابل احترام تلقی می شود که در بسیاری از آثار سبک های مختلف معماری این امر کاملاً مشهود است. نور یکی از عوامل طبیعی مؤثر در معماری به شمار می آید و در حالی که به سطح چیزها برخورد می کند، به آن ها شکل می دهد و با انباشته شدن سایه در پشت به آن ها عمق می بخشد. در معماری و طراحی از آنجا که سخن از دیدگاه پرسپکتیو به میان می آید و امکان نمایش دادن عمق و فضای سه بعدی مطرح می شود، نور و سایه ها نقش اساسی پیدا می کنند. لوکوربوزیه در مورد نور و سایه می گوید: «معماری بازی هنرمندانه، دقیق و خیره کننده مجموعه ای از اجسام ساخته شده در زیر نور است و چشم های ما آفریده شده اند که این فرم ها را زیر نور ببینیم. این سایه روشن ها هستند که فرم ها را در مقابل ما برهنه می سازند. مکعب، مخروط، کره، استوانه و هرم اولین فرم هایی هستند که نور آن ها را به ما عرضه می کند.» نور کلید درک جهان به لحاظ بصری است و بر خلاف بناهای امروزی که نوری یکنواخت دارند، در معماری گذشته ایران نور مستقیماً بر کیفیت فضا تأثیر گذاشته و صرفاً برای روشنایی داخل فضا استفاده نمی شد، بلکه بر ماهیت فیزیکی فضا بر اساس کاربری آن تأکید می کرد [۳۶].

۶-۱- جایگاه نور در معماری ایرانی - اسلامی

بعد از ورود اسلام به ایران و بینش اسلامی نور منزلتی خاص در بنا پیدا می کند. بینش اسلامی با نور طبیعی به هم پیوسته ای دارد که می تواند معماری را از دل زمین جدا کند و به عالم معنوی و بالا نزدیک نماید [۳۷]. این معماری همواره بازتابنده مکان مقدس، حیات و حضور نور است و بر روح آدمی تأثیر می گذارد [۳۸].

نور از عوامل مؤثر بر ارزش فضایی است که به عنوان مادی ترین عنصر محسوس طبیعت، همواره در معماری اسلامی وجود داشته و در واقع نشان عالم والا و فضایی معنوی است. نوع نگرش به نور در معماری ایرانی تحت تفکر اسلامی به عالی ترین درجه خود می رسد و به عنوان مظهر تقدس و عالم معنوی شناخته می شود. نور در معماری اسلامی ایران همیشه به منزله روشن کردن کامل فضای معماری به کار نمی رود؛ بلکه گاهی جنبه عرفان و تقدس به خود گرفته و جنبه های دیگر فضا (رنگ، بافت و...) را تحت تأثیر

قرار داده و گاهی بر آن ها تأکید می کند. نور در معماری گذشته ما با بینش اسلامی همگون شده و ارزشی دوچندان پیدا نموده و علت اهمیت آن را می توان این گونه خلاصه نمود:

شکل ۲- بررسی علل اهمیت نور



معماران ایرانی به نور و اثرات آن از جهات مختلف دقت نظر و توجه داشته اند که در جریان تاثیرات معماری اسلامی به حد اعلی خود رسیده است، مواردی نظیر: توجه به بعد معنوی و تقدس نور، تعدیل نور در فضا و یکنواختی آن، امکان کنترل دید از داخل به خارج و برعکس و حفظ حریم همسایگان، رعایت بهداشت چشم و جلوگیری از خیرگی و چشم زدگی در هنگام ورود و خروج از فضای روشن به تاریک و بالعکس، توجه به بهداشت روانی و استفاده از نور متناسب با کاربری فضا و همین طور به کارگیری شیشه های رنگی برای زیباسازی و شاداب کردن فضای داخلی.

تأملی کوتاه در آثار گوناگون معماری اسلامی ایران در دوره های مختلف روشنگر این حقیقت است که معماران ما همواره در جستجوی نظم در عناصر، اجزا، فضاها و بناها بودند و برای رسیدن به این مهم از عناصر و اجزای متعدد بهره می گرفتند که یکی از این عناصر نور است. البته نور را به شکلی به کار می گیرند که فضا را معنا دهد و آن را تقدس کند تا انسان با قرارگیری در آن فضاهای قدسی به ما بعدالطبیعه عروج کند [۳۷].

۶-۲- نور و عناصر تزئینی

نور اولین شرط برای هر نوع ادراک بینایی است. عنصری است که با آن دیدن اشیاء ممکن می شود. نور مناسب ترین ماده ساختاری است که می تواند به فعالیت های روزمره ما شکل، زیبایی، لذت و راحتی ببخشد ما را به خود جذب می کند و از نظر تاریخی می توان گفت نور و روشنائی برای انسان مقدس و نشان از زندگی و پاکی بوده است. انسان که خود آفریده نور است، بقا و سلامت جسمی و روانی و اخلاقی آن نیز در گرو نور می باشد. روشن است که هستی و بقاء بشریت و همچنین یادگیری، پیشرفت و ارتقاء مداوم کیفیت زندگی اکثر انسان ها در گرو نگاه کردن و دیدن است و لازمه دیدن، همانا نور می باشد. قطعاً اگر نور نبود هستی هم به وجود نمی آمد و پدیده نور بود که توفی حیات در روی زمین را به انسان داد [۳۳]. در هنر اسلامی، نور یکی از مهمترین عناصری است که در کنار عناصر و اجزا دیگر مانند مصالح، رنگ، فرم، ساختار، و... قرار می گیرد. یکی از مهمترین ویژگی های نور آن است که حس حرکت، سکون، تحیر، معنویت، آرامش، پاکی و... را به آدمی منتقل می کند و باعث می شود تزئینات و زیبایی بنا بهتر خودنمایی کند. نور واسطه ای جهانی است که نه تنها به جهان ما روشنائی می بخشد، بلکه هنر، علم، مذهب و فلسفه را فراسوی مرزهای زمینی و مکانی به هم پیوند می زند. پرده را از هر جایی از دایره های تمدن های مختلف کنار بزنید اثری از نور دیده می شود. نور کلیدی است در راستای حل نمودن رمزهای عالمی که در آن زندگی می کنیم. حقیقت عالم معنی خود را به زبان رمز و تمثیل بر ساکنان عالم خاکی متجلی می سازد و به هر ملت با زبانی مناسب با احوال و روحیات آنان سخن می گوید [۳۹].

نور روز در معماری سنتی، علاوه بر کارکرد، از جنبه های معنوی و تزئینی نیز اهمیت دارد، به گونه ای که آن چنان با عناصر معماری در آمیخته است که نمی توان آنها را از یکدیگر جدا نمود. نور طبیعی در بناهای سنتی همواره جهت دهنده است و از جهت خاصی وارد فضاها می شود. در معماری ایرانی از نور یکنواخت استفاده نشده، نور همیشه تعدیل شده دریافت می شده است و این امر از طریق عناصر تشکیل دهنده معماری مانند روزن ها، نورگیرها، گلجام و شیشه های رنگی ارسی ها تأمین می گردد. همین تغییر مداوم نور، تنوع رنگ و سایه روشن است که پیام های بصری کافی و مناسب را به چشم انسان می رساند. مشبک ها، معرق ها و پنجره های چوبی مزین به شیشه های رنگی با ترکیب بندی هندسی، روش های مختلف حالت بخشیدن به نور بوده اند؛ نوری که در ارتباط با فضای معماری بوده و سلسله مراتب را از تاریکی پدید می آورده است. هنرمند ایرانی در تزئینات از عناصری استفاده می کند، که بتواند به هدف نورپردازی خود جامه عمل بپوشاند، از جمله این تزئینات، استفاده از مقرنس است که برای جلب نور و پخش آن به درجات دقیق و باریک و کیفیت در کنترل آن به کار می رود. بهره گیری از ویژگی بازتاب نور از سطوح و ... از آثار کهن، سه شیوه برخورد کلی را در برخورد با موضوع نور به ما یاد آور می شود:

- (۱) تأمل در نحوه ورود نور به صورت مستقیم یا غیر مستقیم (عناصر واسطه) و قابل رویت برای ناظر یا غیر قابل رویت.
- (۲) مکان یابی روزنه های وارد کننده نور نسبت به فضاهای داخلی و نظام فعالیت های درونی جهت تعریف فضا به مدد تاریکی و نه نبود نور
- (۳) تغییر ماهیت ظاهری نور به لحاظ شفاف، نیمه شفاف یا کدر بودن از طریق انتخاب مصالح

۷- نتیجه گیری

زیبایی اصولاً یکی از مهمترین نیاز های فطری انسان است، خداوند همان طور که خود دوست دار زیبایی است در خلقت بندگان خود این صفت را متجلی کرده است. همان طور که در این پژوهش بیان شد، طبق منابع اسلامی از جمله قرآن کریم، اصول روانشناسی، واز دیدگاه دانشمندان این حوزه، حس زیبا دوستی در انسان فراوان است و ساختن فضایی زیبا جهت ارتقا حفظ آرامش انسان جزو نیاز های اصلی و مهم او است. یکی از مهمترین نکاتی که باید دقت کرد آن است که بهره بردن از اصول بامعنا زیبایی شناسی می تواند بسیاری از مشکلات معماری و شهرسازی معاصر را حل کند زیرا این اصول پرمحتوا، پشتوانه قوی دارند و پاسخگو نیاز های روحی و روانی انسان ها هستند. امروزه متاسفانه شاهد آن هستیم که گونه های متنوع هنری در میان معماران شایع است که از دو وجه فرهنگ و اصول و شیوه های ساخت اسلامی به دور هستند.

مکتب اسلام بطور مستقیم و غیر مستقیم و جامع و مانع، به همه مباحث هنر و زیبایی و ارزیابی آثار هنری وارد شده است و در بحث معرفت شناسی و انسان شناسی و در لایه های عمق عالم وجود از آنجا که ابزار شناخت انسان ها و شیوه های ادراکی آنها را جامع و مانع می داند، بنابراین، هیچ مرتبه ای از عالم خلق، نمی تواند از دایره شناخت هنرمند و خلق آثار هنری خارج تلقی شود و از آنجایی که معبود خود را، هم تشبیهی و هم تنزیهی و هم جمالی و هم جلالی و هم داخل همه پدیداره و هم خارج همه، همه انسان ها را به بهره برداری و تأمل در آثار هنری دعوت می نماید و موضوع زیبایی و زیبایی آفرینی را در همه ابعاد ظاهری و باطنی عالم وجود بسط می دهد و بین خلق آثار هنری و ادراک هنری، با مسیر کمال و صیوررت انسان ها پیوندی ناگسستنی برقرار می نماید [۷].

با توجه به تاثیر زیاد نور و رنگ در فضا، شناخت مناسب آنها بسیار حائز اهمیت است. خاصیت رنگ در معماری هرگز بر استاد کاران ماهر این سرزمین پوشیده نبوده است؛ آنان به خوبی دریافته بودند ذوق، که قوه درک جمالش می دانستند، کیفیت عاطفی مرموزی بود که با آن می شد قلب و روح را برانگیخت، کیفیتی درونی که نیازمند ضوابط عینی هم بود و این مهم به خوبی با به کارگیری درست از رنگ محقق می گشت [۱۲]. نور در معماری اسلامی علاوه بر بعد مذهبی، کارکردی دو سویه دارد. دیگر عناصر تزئینی را مشخص می کرد و نقوش از آن سایه می گرفتند. عناصر معماری در بناهای اسلامی و مواد تزئین آن طوری شکل می گرفت که نور را منعکس، منکسر و منتقل می کرد. در بناها از کف براق و درخشنده و سطوح دیوارها برای شکار نور استفاده می شد و استفاده از نور باعث طراوت و درخشندگی فضاهای مختلف معماری شده و در نتیجه در ادراک انسان از محیط نقش موثرتری

دارد. توجه به چگونگی استفاده از عناصر طبیعی مخصوصاً نور در معماری امروز، وجود عناصر طبیعی که نشان دهنده رمزها و نماد هایی از طرف خداوند است و بهره گیری آنها که دارای معانی زیاد و متناسب با فرهنگ ایران است تاثیر قابل توجهی در زندگی انسان را دارد [۴۰].

۸-منابع

۱. اسدپور، ف، شیردل، ا، بررسی و شناخت اصول زیباشناسانه موثر بر شکل گیری مناظر بافت های بومی، ششمین همایش ملی معماری و شهرسازی پایدار، تهران، ۱۴۰۰
۲. کریمی مشاور، م، رویکرد ها و روش ها در زیبایی شناسی شهری، باغ نظر، سال ۱۰، شماره ۲۴، صفحه ۵۶-۴۷، ۱۳۹۲
۳. خورسند، ر، نقره کار، ع، تبیین مفهوم زیبایی از منظر جهان بینی اسلامی جهت ارزیابی آثار معماری و شهرسازی، فصلنامه علمی - پژوهشی نقش جهان، دوره ۸، شماره ۲، ۱۳۹۷
۴. ادیب زاده، ح، مکار خالص اهر، ا، بررسی زیبایی شناسی در معماری، سومین کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، ۱۳۹۶
۵. بمانیان، م، بررسی نقش خدا محوری در معماری مسلمانان، نشریه بین المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، شماره ۵، جلد ۱۸، صفحه ۴۴-۳۷، ۱۳۸۶
۶. لیلیان، م، امیرخانی، ا، انصاری، م، جستاری بر مبانی و مفاهیم زیبایی شناسی و تبلور آن در ساختارهای معماری، کتاب ماه هنر ۱۳۸۸
۷. اسدپور، ف، اسدپور، م، بررسی مفاهیم زیبایی شناسی در فرهنگ اسلامی و بحران زدگی آن در معماری معاصر، مطالعات هنر و معماری، سال دوم - شماره ۴ و ۵ (پیاپی ۱۱ و ۱۲) - جلد ۴ - تیر و مرداد ۱۳۹۵
۸. تولستوی، ل. هنر چیست (چاپ سیزدهم)، ترجمه: کاوه دهگان، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۷
۹. مطهری، م، (۱۳۹۰) تعلیم و تربیت در اسلام، صدرا
۱۰. مطهری، م، (۱۳۸۲) گفتارهای معنوی، صدرا
۱۱. نقره کار، ع (۱۳۹۲)، حکمت هنر اسلامی
۱۲. نجیب اوغلو، گ (۱۳۸۹)، هندسه و تزیین در معماری اسلامی (طومار توپقایی)، ترجمه مهرداد قیومی بید هندی، روزنه، تهران
۱۳. طاهباز، منصوره. زیبایی در معماری. مجله صفا، ۱۳۷۷
۱۴. کشمیری، ه، نوشادی، ز، عباسی، م، (۱۳۹۲) بررسی فیزیک و مفاهیم معنوی نور در معماری سنتی ایران با نگاهی به مساجد و خان ها، همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان
۱۵. خوش نظر، ر، رجبی، م (۱۳۸۸)، "نور و رنگ در نگارگری ایرانی و معماری اسلامی"، کتاب ماه هنر، فروردین
۱۶. بهپور، ز (۱۳۹۲)، پژوهش نور در معماری سنتی ایران، همایش ملی تربیت فرهنگی و مدیریت سبک زندگی - معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آباده
۱۷. ژیلسون، اتین، هستی در اندیشه ی فیلسوفان، ترجمه سید حمزه طالب زاده، محمدرضا شمشیری، نشر حکمت، تهران، ۱۳۸۵
۱۸. احمدی، ب. حقیقت و زیبایی (چاپ اول ۱۳۷۴)، نشر مرکز، تهران
۱۹. گروت، ی (۱۳۸۸) زیبایی شناسی در معماری، جهان شاه پاکزاد، شهید بهشتی، تهران
۲۰. گروت، ی ک. (۱۳۹۰) زیبایی شناسی در معماری، تهران، جهان شاه پاکزاد، عبدالرضا همایون، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲۱. آیوازیان، س، زیبایی شناسی و خاستگاه آن در نقد معماری؛ فصلنامه هنرهای زیبا؛ شماره ۱۸؛ زمستان ۱۳۸۱
۲۲. پرتوی، مهدی. ده مقاله زیبایی شناسی نوین. تهران: نقش جهان ۱۳۵۲

۲۳. صارمی، ح، صارمی، م، تحلیل جایگاه شهر زیبایی در هنر اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی-اسلامی [دوره ۱، شماره ۴، صفحات ۱۰۱-۱۱۱، ۱۳۹۰]
۲۴. پازوکی، ش (۱۳۸۸)، حکمت هنر و زیبایی در اسلام، فرهنگستان هنر، تهران
۲۵. لنگک، ج (۱۳۸۱)، آفرینش نظریه معماری، برگردان دکتر علیرضا عینی فر، انتشارات دانشگاه تهران
۲۶. قائمی فر، ش، الگوی زیبایی شناسی در معماری بر اساس دیدگاه اندیشمندان اسلامی، مطالعات هنر و معماری، سال دوم، شماره ۶، (پیاپی ۱۳)، جلد ۴، ۱۳۹۵
۲۷. مهدی نژاد، ج (۱۳۹۵) جستاری بر ویژگی های معماری ایرانی-اسلامی و هنرهای قدسی مبتنی بر تعالی معماری، پژوهش های هستی
۲۸. مهدی نژاد، ج، شیردل، (۱۴۰۱) جایگاه زیبایی شناسی در فرهنگ و معماری اسلامی، هشتمین کنگره سالانه بین المللی عمران، معماری و توسعه شهری، تهران، ایران،
۲۹. عابدی، م، محمدیان یامی، ف، زیبایی شناسی و بازشناسی اصول ان در معماری اسلامی، نشریه معماری شناسی، سال اول، شماره ۴، دی ۱۳۹۷
۳۰. روشن، م، شریف زاده، ج، بررسی اصول زیباشناسی در طراحی معماری، ششمین کنفرانس بین المللی توسعه پایدار و عمران شهری، ۱۳۹۵
۳۱. حاتم، غ، استیری، ن، بررسی تزیینات آجرکاری در مناره خسروجرد سبزواری، دوفصل نامه تخصصی هنرهای تجسمی نقش مایه، شماره ۳، صفحه ۴۵-۵۲
۳۲. پای برجا، م، هدایتی، ح (۱۳۹۴) بررسی تاثیر نور و رنگ در معماری مساجد ایران (نمونه موردی: مسجد شیخ لطف الله اصفهان)، همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران، یزد، ایران
۳۳. نایی، ب، کاتب، ف، مظاهری، م، بیرشک، ب، (۱۳۸۸) تاثیر نور فضاهای داخلی بر کیفیت زندگی و رفتارهای اخلاقی انسان، فصلنامه ی اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، شماره های ۳ و ۴، ۸۶
۳۴. دهخدا، ع، لغت نامه دهخدا. دانشگاه تهران-تهران، ۱۳۳۴
۳۵. عمید، ح، فرهنگ عمید (شامل واژه های فارسی و لغات عربی مصطلح در زبان فارسی) ج ۲. تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵
۳۶. کلهر، ح (۱۳۸۵) مهندس روشنایی، تهران، از مقاله امیر فرضی، نورپردازی فضاهای داخلی، نشریه معماری و فرهنگ، تهران، شماره ۹
۳۷. صارمی، ح، دارابی، ن (۱۳۹۴) بررسی تفاوت جایگاه نور در خانه های سنتی ایران و خانه های معاصر، کنفرانس بین المللی انسان، معماری، عمران و شهر، تبریز، ایران
۳۸. کشمیری، ه، نوشادی، ز، عباسی، م، (۱۳۹۲) بررسی فیزیک و مفاهیم معنوی نور در معماری سنتی ایران با نگاهی به مساجد و خان ها، همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان
۳۹. مرادی، س، مرادی، ع (۱۳۹۵) بررسی نقش نور و جایگاه آن در معماری سنتی ایران، سومین کنفرانس علمی پژوهشی افق های نوین در علوم جغرافیا و برنامه ریزی، معماری و شهرسازی ایران
۴۰. بهپور، ز (۱۳۹۲)، پژوهش نور در معماری سنتی ایران، همایش ملی تربیت فرهنگی و مدیریت سبک زندگی -معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه ازاد اسلامی، واحد آباده.